



جنگ اسرائیل - فلسطین و پیامدهای آن برای منطقه و جهان

نعمت الله ساپی و عبدالسمیع فرزانه*

چکیده

نزاع فلسطین - اسرائیل یکی از پیچیده‌ترین درگیری‌های معاصر است که ریشه در مسائل تاریخی، مذهبی و سیاسی دارد. این درگیری نه تنها شرق میانه بلکه سیاست‌های جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. با حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس این جنگ آغاز شد که با حملات هوایی و زمینی اسرائیل به غزه ادامه یافت و تاکنون حدود ۱۰۰ هزار فلسطینی شهید و زخمی شده و شهر غزه به ویرانه مبدل گشته است. موضوع این مقاله بررسی جنگ اسرائیل و فلسطین و پیامدهای آن برای منطقه و جهان است. سؤال اصلی تحقیق این است: جنگ اسرائیل - فلسطین چه تأثیراتی بر تحولات منطقه و جهان دارد؟ فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که این منازعه باعث بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی و بحران‌های انسانی در سطح منطقه‌ای و جهانی شده است. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این جنگ تأثیرات عمیقی از جمله افزایش تنش‌های سیاسی، مشکلات اقتصادی و بحران‌های اجتماعی را به همراه داشته است. همکاری جهانی و اراده سیاسی برای دستیابی به صلح پایدار ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: شرق میانه، فلسطین، غزه، حماس، اسرائیل، جنگ.

* اساتید پوهنهی علوم سیاسی پوهنتون باختر

مقدمه

پدیده جنگ همواره باعث خونریزی، ویرانی و عقب‌ماندگی جوامع می‌شود. تاریخ بشر مملو از جنگ‌های متعددی است؛ به‌ویژه در سرزمین‌های شرق‌میانه یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی همین جنگ‌ها بوده است. به‌طورمثال، جنگ‌های صلیبی، حملات مغول‌ها، و رقابت‌های استعماری اشاره کرد که تمدن و فرهنگ سرزمین‌های اسلامی را آسیب‌پذیر ساخته است. با پیشرفت تکنالوجی و دسترسی به سلاح‌های کشتار جمعی، بر دامنه جنگ‌های تحمیلی در شرق‌میانه افزوده شده است. نزاع طولانی بیش از هفتاد ساله فلسطین و اسرائیل از جمله این جنگ‌هاست و قربانی‌های بی‌شماری از مردم فلسطین گرفته است. تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، باعث بروز چندین جنگ در منطقه شده و مردم فلسطین همواره قربانی حملات نظامی متعدد بوده‌اند.

بحران فلسطین-اسرائیل یکی از پیچیده‌ترین درگیری‌های سیاسی و نظامی معاصر است که ریشه در مسائل تاریخی، مذهبی و سیاسی داشته و نه‌تنها شرق‌میانه بلکه سیاست‌های جهانی را نیز متأثر ساخته است. علی‌رغم تلاش‌های فراوان برای دستیابی به صلح، این مناقشه هم‌چنان تداوم یافته است. پس از حمله حماس و آغاز جنگ غزه در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، تنش در منطقه تشدید شد. این جنگ هویتی است و به نظر می‌رسد هیچ‌یک از نظریه‌های روابط بین‌الملل به‌تنهایی توانایی تحلیل آن را ندارند؛ به تعبیر لوئیس فاست، شرق‌میانه گورستان نظریات روابط بین‌الملل است.

پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که بحران فلسطین-اسرائیل بعد از تحولات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، چه پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است؟ فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که این خشونت‌ها، بدون توجه به پیش‌بینی‌ها درباره تداوم یا صلح، اثرات وسیع اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی در منطقه و جهان داشته است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. هدف تحقیق حاضر تلاش برای بررسی دقیق بحران فلسطین-اسرائیل و یافتن راهکارهای مناسب برای مدیریت آن است.

اهمیت چنین تحقیقاتی نیز در ارائه راهکارهای مدیریتی مناسب بحران و پیش‌بینی موضوع‌گیری مناسب برای امارت اسلامی افغانستان در قبال بحران است. این مقاله به سه مبحث تقسیم شده است. در مبحث اول، مفاهیمی چون شرق‌میانه، فلسطین، غزه، حماس، اسرائیل و صهیونیسم مفهوم‌شناسی شده و هم‌چنان پیرامون اهمیت فلسطین و شاخصه‌های بحران در شرق‌میانه بحث می‌شود. در مبحث دوم، آثار جنگ اسرائیل و فلسطین و پیامدهای منطقه‌ای همانند بی‌نتیجه ماندن اقدامات دیپلماتیک، تعرض به اماکن دیپلماتیک در منطقه، ترور رهبران سیاسی، مهاجرت‌های عمومی، فروپاشی نظم اقتصادی و افزایش فروش تسلیحات در سطح منطقه ارائه شده و در مبحث سوم به پیامدهای جهانی همانند گسترده شدن دامنه جنگ در سطح جهان و احتمال استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و... مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان، نتیجه‌گیری کلی از تحقیق و ارائه پیشنهادات آمده است.

1. مفاهیم و کلیات

1-1. مفاهیم

1. مفهوم شرق‌میانه

شرق‌میانه به ناحیه‌ای جغرافیایی اطلاق می‌شود که شامل کشورهایایی از جمله عربستان سعودی، ایران، ترکیه، عراق، سوریه، و مصر است (Smith, 2020-15). این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک و منابع غنی نفتی، همواره در کانون توجهات جهانی بوده است (خسروپناه، ۱۳۹۷: ۲۲). شرق‌میانه علاوه بر تنوع فرهنگی و مذهبی، با چالش‌هایی نظیر جنگ، تروریسم و بحران‌های انسانی مواجه است (مدرسی، ۱۳۹۸: ۴۵). فرهنگ‌ها و دانشمندان تعاریف متعدد از منطقه شرق‌میانه داشته‌اند که در این جا به برخی از آنها می‌پردازیم:

۱- فرهنگ جغرافیایی جدید وبستر^۱، شرق‌میانه را این‌گونه تعریف کرده است: «منطقه گسترده که در برگیرنده کشورهای جنوب آسیا و شمال آفریقا است که در گذشته شامل افغانستان، پاکستان، هندوستان و برمه نیز می‌شده است» (فرهنگ جغرافیایی جدید وبستر، ۱۹۸۴، ۱۰).

۲- دایرةالمعارف جدید بریتانیا: «شرق‌میانه سرزمینی است که در اطراف سواحل جنوبی و شرقی دریای مدیترانه کشیده شده و از مراکش تا شبه جزیره عربستان و ایران و گاهی نیز تا فراتر از آن امتداد یافته است» (جدید بریتانیا، ۲۰۲۰، ۸).

۳- پروفیسور جورج اوون استاد تاریخ و شرق‌میانه پوهنتون هاروارد درباره شرق‌میانه معتقد است اصطلاح شرق‌میانه در اصل مفهومی جیواستراتژیک است که برای نخستین بار در مورد منطقه‌ای بین خلیج فارس و پاکستان به کار رفت (اوون، ۲۰۲۳، ۱۲).
تعریف‌های بالا نشان می‌دهد که برای منطقه خاورمیانه سرحد مشخصی وجود ندارد؛ زیرا اصطلاح شرق‌میانه معرف منطقه‌ای فرهنگی است. به‌طورکلی کشورهای امارات متحده عربی، ترکیه، قطر، الجزایر، عربستان، اردن، بحرین، تونس، ایران، سوریه، عراق، مراکش، عمان، لبنان، یمن، لیبیا، کویت، فلسطین، مصر، اسرائیل و سودان جزء شرق‌میانه بوده و حتی دو کشور پاکستان و افغانستان نیز به‌دلیل ارتباط فرهنگی مستقیم با شرق‌میانه جزء این منطقه به حساب آمده‌اند (ابولحسن شیرازی و دیگران، ۱۴۰۰: ۹).

۲. خصوصیات مشترک شرق‌میانه و تأثیر آن بحران‌ها

شرق‌میانه دارای ویژگی‌های مشترکی از جمله تنوع فرهنگی، مذهبی و زبانی، منابع غنی نفت و گاز، و تاریخ پرفراز و نشیب سیاسی است. هم‌چنین، چالش‌هایی نظیر فقر، بیکاری، و ناپایداری سیاسی در بسیاری از کشورهای این منطقه وجود دارد (Huntington, 85-1996). این ویژگی‌ها باعث شده که شرق‌میانه به‌عنوان یک منطقه با چالش‌های جدی در نظر گرفته شود.

^۱. Webster

یکی از دلایل اصلی بی‌ثباتی در این منطقه، مرزهای استعماری و مصنوعی است که پس از جنگ جهانی اول و به‌ویژه با توافق‌نامه سایکس-پیکو (۱۹۱۶) ترسیم شد. این مرزها بدون در نظر گرفتن تنوع قومی و مذهبی، کشورهای جدیدی را ایجاد کردند که به تنش‌های طولانی‌مدت میان گروه‌های مختلف به‌ویژه در عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و اسرائیل انجامید (شایگان، ۱۳۷۷، ۴۵). هم‌چنین، اماکن مقدس دینی در این منطقه، مانند بیت‌المقدس، عامل اختلافات مذهبی مداومی میان مسلمانان، مسیحیان و یهودیان بوده و مسئله فلسطین و اسرائیل را به یکی از طولانی‌ترین منازعات تبدیل کرده است (میرزایی، ۱۳۹۳: ۳۰).

از دیگر عوامل، تنوع قومی است که باعث بحران‌های متعدد شده است. قومیت‌هایی مانند کردها که در چندین کشور پراکنده‌اند، به دنبال استقلال یا خودمختاری بوده و این موضوع به جنگ‌ها و تنش‌های طولانی، به‌ویژه در ترکیه، عراق و سوریه، دامن زده است (مولایی، ۱۳۹۷: ۶۵).

اختلافات مذهبی شیعه - سنی نیز نقش کلیدی در بی‌ثباتی ایفا کرده است؛ به‌ویژه در کشورهای عراق و یمن که جنگ‌های داخلی و ظهور گروه‌های افراطی همچون داعش را شاهد بوده‌اند (اکبری، ۱۳۹۶: ۷۰). نفت و منابع طبیعی در خلیج فارس نیز به‌عنوان یکی از دلایل اصلی درگیری‌ها شناخته می‌شود. رقابت بر سر دسترسی به این منابع، جنگ‌هایی مانند جنگ ایران و عراق را تشدید کرده است (زرین‌کوب، ۱۳۹۱: ۱۰۰). در نهایت، دخالت قدرت‌های خارجی مانند آمریکا و روسیه همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در تشدید بحران‌های منطقه‌ای از جمله در جنگ‌های عراق و سوریه، رشد افراط‌گرایی و تروریسم داشته و نیز از دیگر پیامدهای این بحران‌ها بوده که گروه‌هایی مانند داعش از این بی‌ثباتی‌ها برای گسترش نفوذ خود استفاده کرده‌اند (نصر، ۱۳۹۵: ۵۵). در نتیجه، می‌توان

گفت ترکیبی از عوامل تاریخی، مذهبی، قومی و دخالت‌های خارجی باعث شده‌اند که خاورمیانه همواره منطقه‌ای بی‌ثبات و بحرانی باشد.

۳. فلسطین

فلسطین به ناحیه‌ای تاریخی در خاورمیانه اشاره دارد که شامل کرانه باختری رود اردن و نوارغزه است (Eldar, 23- 2019). این سرزمین از دیرباز مورد توجه ادیان ابراهیمی بوده و به‌عنوان زادگاه این ادیان شناخته می‌شود. از سال ۱۹۴۸ با تأسیس اسرائیل، وضعیت فلسطین به یک مناقشه پیچیده تبدیل شده است (فرید، ۱۳۹۸: ۴۵). سرزمین فلسطین به دلیل تاریخچه غنی و اهمیت مذهبی برای یهودیان، مسلمانان و مسیحیان دارای ارزشی بی‌نظیر است. این سرزمین زادگاه ادیان ابراهیمی محسوب می‌شود و مناقشات بر سر آن تأثیرات عمیقی بر سیاست و روابط بین‌الملل دارد (Pappe, 10- 2017).

نوارغزه در فلسطین موقعیت داشته و قدامت تاریخی دارد. همان‌گونه که تاریخ بر این شهر اثر گذاشته، غزه هم بر تاریخ اثرگذار بوده است (Oren, 15- 2021). اهمیت غزه هم به دلیل جایگاه تجاری آن و هم از نظر نظامی به دلیل نقش ارتباطی آن بین مصر و شام بوده است. از نام‌های مختلفی که به آن داده شده، می‌توان به هازاتو و غازاتو اشاره کرد (محمد علی، ۱۳۸۴، ۸). نوار غزه ناحیه‌ای است نوارگونه در طول سواحل مدیترانه با وسعتی معادل ۲۷۰۰۰ کیلومتر مربع که در میان اسرائیل و مصر قرار دارد. این نوار به‌عنوان بخشی از سرزمین فلسطین شناخته می‌شود. غزه با جمعیت بسیار بالا و شرایط اقتصادی دشوار، تحت محاصره اسرائیل قرار دارد و از سال ۲۰۰۷ تحت کنترل گروه حماس است (شریفی، ۱۳۹۹: ۳۲) این منطقه به دلیل درگیری‌های مکرر و بحران انسانی، به یکی از مناطق بحرانی در جهان تبدیل شده است.

۴. حماس

حماس یک گروه سیاسی - نظامی فلسطینی است که در سال ۱۹۸۷ توسط برخی از رهبران اخوان المسلمین نظیر شیخ احمد یاسین و دیگران تأسیس شد (Hroub, 20- 2006).

هدف این گروه مقاومت در برابر اشغال اسرائیل و ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی است. حماس در حال حاضر کنترل رهبری نبرد با اسرائیل را در دست دارد و به عنوان بازیگر کلیدی در سیاست فلسطینی شناخته می شود (محبوبی، ۱۴۰۰: ۵۰).

۵. اسرائیل

اسرائیل کشوری در خاورمیانه است که در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد و به عنوان یک دولت یهودی شناخته می شود. این کشور به دلیل اختلافات ارضی و مناقشات با فلسطینی ها با چالش های بسیاری روبه رو است. اسرائیل به عنوان یک بازیگر کلیدی در سیاست خاورمیانه، در تلاش است تا امنیت و ثبات خود را حفظ کند (Zartman, 30- 2018). ایده ایجاد کشور اسرائیل ناشی از رشد جریان صهیونیسم است. صهیونیسم یک جنبش ملی گرایانه است که به دنبال تأسیس یک کشور یهودی در سرزمین تاریخی فلسطین بوده است. این جنبش در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت و با تأسیس اسرائیل به اوج خود رسید. صهیونیسم به طور خاص بر بازگشت یهودیان به سرزمین های تاریخی تأکید دارد (Morris, 15- 2019). یهودیان با استناد به ارتباطات تاریخی و مذهبی خود با فلسطین، خواستار بازگشت به این سرزمین بودند. در این راستا، تلاش های گسترده ای برای مهاجرت یهودیان به فلسطین و خرید زمین های کشاورزی آغاز شد. صدور بیانیه بالفور در سال ۱۹۱۷ توسط بریتانیا نیز این روند را تسریع کرد. بیانیه بالفور حمایت بریتانیا از ایجاد «خانه ملی برای یهودیان در فلسطین» را اعلام کرد و منجر به افزایش مهاجرت یهودیان به فلسطین شد که باعث تنش های شدید میان جمعیت عربی محلی و مهاجران یهودی شد (جعفری، ۲۰۱۵: ۴۰). این جنبش اکنون به دو شاخه اصلی، یعنی صهیونیسم سیاسی و صهیونیسم فرهنگی تقسیم می شود.

۱-۲. پیشینه تاریخی فلسطین و تأسیس دولت اسرائیل

فلسطین به دلیل جایگاه تاریخی، دینی و استراتژیک خود، همواره مرکز توجهات

بین‌المللی بوده و در طول تاریخ، این سرزمین شاهد برخورد فرهنگ‌ها، ادیان و قدرت‌های مختلف بوده است. پیش از قرن بیستم، فلسطین بخشی از امپراتوری عثمانی بود و تحت حاکمیت مسلمانان قرار داشت. جمعیت فلسطین عمدتاً از مسلمانان عرب تشکیل می‌شد؛ درحالی‌که جمعیت‌های کوچکی از مسیحیان و یهودیان نیز در آن ساکن بودند. با فروپاشی امپراتوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول، فلسطین تحت قیمومت بریتانیا قرار گرفت (نجاتی، ۱۵:۲۰۱۰).

پس از تشدید اختلافات و مهاجرت‌های یهودیان، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ طرحی را برای تقسیم فلسطین به دو دولت عربی و یهودی پیشنهاد کرد. یهودیان این طرح را پذیرفتند اما اعراب فلسطین و کشورهای عربی آن را رد کردند. در سال ۱۹۴۸، اسرائیل تأسیس شد و بلافاصله جنگی بین اسرائیل و کشورهای عربی آغاز شد. نتیجه این جنگ تصرف بیشتر سرزمین‌های فلسطین توسط اسرائیل بود. این جنگ منجر به آوارگی صدها هزار فلسطینی شد که به کشورهای همسایه پناه بردند. (فتحی، ۳۲:۲۰۱۲).

از زمان تأسیس دولت اسرائیل، چندین جنگ مهم بین این کشور و کشورهای عربی رخ داد، از جمله جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ که منجر به گسترش سرزمین‌های تحت کنترل اسرائیل شد. پس از این جنگ، فلسطینی‌ها به تدریج خواستار تشکیل یک دولت مستقل در کرانه باختری و نوار غزه شدند (زیدان، ۲۰:۲۰۱۵).

در سال ۱۹۶۴، سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO) با هدف مبارزه با اشغالگری اسرائیل تأسیس شد. این سازمان ابتدا از روش‌های مسلحانه استفاده می‌کرد اما به تدریج به‌عنوان نماینده رسمی مردم فلسطین شناخته شد. دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شاهد اوج‌گیری مبارزات مسلحانه فلسطینی‌ها بود که توسط گروه‌هایی مانند فتح، حماس و جهاد اسلامی هدایت می‌شد. یکی از مهم‌ترین رویدادهای این دوره، انتفاضه اول بود که در سال ۱۹۸۷ آغاز شد. انتفاضه اول یک خیزش مردمی و اعتراضات گسترده علیه اشغال اسرائیل بود که توجه بین‌المللی را به مسئله فلسطین جلب کرد. (کرمی، ۲۸:۲۰۰۰)

با افزایش فشارهای بین‌المللی، مذاکرات صلح بین فلسطینی‌ها و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ آغاز شد. این مذاکرات منجر به امضای توافقات اسلو در سال ۱۹۹۳ شد. براساس این توافق، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و اسرائیل یکدیگر را به رسمیت شناختند و مقرر شد حکومت خودمختار فلسطینی در بخش‌هایی از کرانه باختری و نوار غزه تشکیل شود. با این حال، مسائل اصلی مانند تعیین مرزها، وضعیت اورشلیم و حق بازگشت آوارگان فلسطینی هم‌چنان حل نشده باقی ماند (علوی، ۲۰۱۷). با شکست مذاکرات صلح و بازدید آریل شارون از مسجد الاقصی، انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ آغاز شد. این دوره شاهد تشدید درگیری‌ها و خشونت‌ها بین اسرائیل و فلسطینی‌ها بود. یکی از اقدامات مهم در این دوره، ساخت دیوار حائل توسط اسرائیل بود که به شدت مورد اعتراض فلسطینی‌ها و جامعه بین‌المللی قرار گرفت (فری، ۲۰۱۹، ۴۵).

در سال ۲۰۰۵، اسرائیل به صورت یک‌جانبه از نوار غزه خارج شد، اما محاصره غزه توسط اسرائیل و مصر آغاز شد. در سال ۲۰۰۶، حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین پیروز شد که منجر به درگیری داخلی بین حماس و فتح شد. این اختلافات داخلی باعث شد که حماس کنترل نوار غزه و فتح کنترل کرانه باختری را در دست بگیرند (بدوی، ۲۰۲۰، ۳۵). نوار غزه در دهه‌های اخیر به صحنه درگیری‌های متعددی بین حماس و اسرائیل تبدیل شده است. برخی از مهم‌ترین این درگیری‌ها شامل جنگ غزه در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ است. این درگیری‌ها باعث افزایش تلفات و وخامت اوضاع انسانی در غزه شد (شرق، ۲۰۱۴، ۶۰).

در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، که شامل شلیک موشک‌ها و نفوذ نیروهای مسلح حماس به داخل اسرائیل بود، موجب کشته و زخمی شدن شمار زیادی از نظامیان و غیرنظامیان اسرائیلی شد. اسرائیل نیز بلافاصله و با شدت تمام به این حملات پاسخ داد و عملیاتی گسترده علیه نوار غزه آغاز کرد که به تخریب وسیع زیرساخت‌ها و مناطق مسکونی در غزه منجر شد.

این عملیات ویرانگر باعث شد تا صدها هزار فلسطینی آواره شوند و نوار غزه با کمبود شدید مواد غذایی، آب، و دارو مواجه شود.

در گزارشی که توسط سازمان ملل متحد منتشر شد، تخمین زده شده که بیش از ۴۱'۰۰۰ نفر در غزه جان خود را از دست داده و ۹۵'۰۰۰ نفر دیگر مجروح شده‌اند. حدود ۶۳ درصد از زیرساخت‌های غزه تخریب شده و اکثر شفاخانه‌ها به دلیل بمباران‌ها یا نیمه‌فعال بوده یا به کلی از بین رفته‌اند. (Council on Foreign Relations، ۲۰۲۴-۲۰، OCHA، ۲۰۲۴-۱۵).

در این مدت، اسرائیل همچنان به مقابله با حزب‌الله در لبنان و دیگر جریان‌های تحت حمایت ایران در منطقه پرداخته است و چندین حمله علیه رهبران و مواضع این جریان‌ها انجام داده است که بخشی از تلاش‌های اسرائیل برای مهار تهدیدات منطقه‌ای محسوب می‌شود. (Council on Foreign Relations، ۲۰۲۴-۱۰)

این وضعیت همچنان ادامه دارد و دو طرف با بسیج نیروهای خود نشان داده‌اند که آماده ادامه درگیری‌ها هستند.

۲. آثار و پیامدهای جنگ ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ بر تحولات منطقه

بعد از حادثه اکتوبر ۲۰۲۳، جنگ مستقیم میان حماس و اسرائیل آغاز شد. این تعارض از آغاز تاکنون آثار و پیامدهای متعدد منطقه‌ای به همراه داشته که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند:

۲-۱. پیامدهای سیاسی-اجتماعی

۱. افزایش واگرایی در تعاملات منطقه‌ای

یکی از پیامدهای مهم بحران فلسطین - اسرائیل، کاهش همگرایی بین کشورهای عربی و اسلامی در مواجهه با مسائل منطقه‌ای است. این کشورها به دلیل تفاوت‌های ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی در رابطه با نحوه برخورد با بحران فلسطین، دچار واگرایی شدند. اختلافاتی مانند حمایت از فلسطینی‌ها یا همکاری با اسرائیل، به ویژه پس از توافق‌های اخیر میان برخی کشورهای عربی و اسرائیل، نظیر توافق ابراهیم (۲۰۲۰) که

به عادی سازی روابط با اسرائیل انجامید، به وضوح قابل مشاهده است. همچنین رژیم صهیونیستی از شکاف های متعدد اجتماعی رنج می برد. در این میان شکاف عربی - یهودی، در جنگ غزه بیشتر نمایان شد. احساسات و جهت گیری اعراب فلسطینی مقیم اراضی اشغالی ۱۹۴۸ میلادی با بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر جمعیت، کاملاً بر خلاف امیال صهیونیست ها بود. علاوه بر این آن «مهاجرگزینی» طی سال های اخیر، روندی رو به کاهش داشته است. این کار در پی جنگ ۳۳ روزه روندی معکوس به خود گرفته بود قسمی که به نظر می رسد جنگ ۲۲ روزه نیز با هدف قرار گرفتن حدود ۱/۵ میلیون جمعیت یهودی اطراف نوار غزه، افزایش مهاجرت معکوس را به دنبال داشته است (<http://moqavem.blogfa.com/8/12/2009>).

یکی از پیامدهای مهم جنگ اخیر تحول در آرایش قدرت در منطقه خاورمیانه است. جنگ ۲۲ روزه را می توان آخرین مرحله شکست استراتژی انزوا و مهار جریان مقاومت در منطقه خاورمیانه دانست. پس از شکست پی در پی امریکا در تحکیم نظم مورد نظر خود در خاورمیانه که در قالب طرح خاورمیانه بزرگ مطرح شده بود، دولتمردان نومحافظه کار امریکا در ماه های پایانی دولت بوش در صدد برآمدند تا با یک نظم امریکایی در منطقه جبران نمایند (خواجوی، ۱۳۸۷، ۱۳).

رژیم صهیونیستی در گذشته ی نه چندان دور با جبهه منسجمی از کشورهای اسلامی و عربی در مقابل خود مواجه بود. اما این رژیم به تدریج با برقراری رابطه با تعدادی از کشورهای اسلامی و شروع روند مذاکرات اسلو موفق شد تا حدودی انسجام و اتحاد جبهه مخالف خود را از بین ببرد. افزایش قدرت و نفوذ منطقه ای ایران به موازات فزونی وابستگی سران عرب به امریکا موجب شد تا به تدریج ملاک آرایش سیاسی متحول شود. جنگ ۳۳ روزه نقطه عطفی در این رابطه به شمار می رود. زیرا از این زمان شکاف میان دو محور سازش و مقاومت شفاف و عمیق شد. محور مقاومت متشکل از ایران، سوریه،

حزب‌الله لبنان و حماس داعیه مقاومت علیه رژیم صهیونیستی را سر داد و در مقابل جبهه سازش با حضور عربستان مصر، اردن و تعدادی دیگر از کشورهای عربی اسلامی در صدد اتخاذ سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز با رژیم صهیونیستی با هدف مهار نفوذ منطقه‌ای ایران برآمدند.

در بعد منطقه‌ای برای هر یک از محورهای سازش و مقاومت و هم‌چنین رژیم صهیونیستی پیامدهای متعددی از جمله هزینه و فرصت، قابل تصور است. جنگ ۲۲ روزه برای رژیم صهیونیستی در بعد منطقه‌ای عمدتاً هزینه‌ساز بود. این جنگ موجب شد تا در سطح افکار عمومی، انزجار شدیدی از حملات این رژیم علیه ساکنان نوار غزه به وجود آید و این روند معادله تبدیل دوست به منتقد و منتقد به دشمن را آسان ساخت؛ در سطح دولتی نیز قطر و موریتانی روابط خود را با رژیم صهیونیستی قطع کردند و دولت ترکیه مواضع سختی علیه این رژیم اتخاذ نمود. موضع‌گیری اردوغان نخست‌وزیر دولت ترکیه در نشست داووس علیه اظهارات شیمون پرز رئیس جمهور رژیم صهیونیستی و حمایت دولت ترکیه از راهپیمایی‌های ضد صهیونیستی، سؤالاتی جدی در برابر تداوم روابط سیاسی نظامی اسرائیل با ترکیه، قرار داد.

طولانی شدن جنگ غزه و مقاومت سرسختانه حماس در برابر رژیم صهیونیستی موجب ارتقاء جایگاه حماس جنبش‌های مقاومت شده، این موضوع موجب شد تا در تحلیل‌ها گروه‌های مقاومت به‌عنوان دشمن اصلی رژیم صهیونیستی مطرح شود. محور مقاومت کشورهای محور مقاومت به پشتیبانی افکار عمومی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موفق شدند به سرعت مدیریت فضای جهانی علیه نقشه‌های از پیش طراحی شده اسرائیلی‌ها را به دست گیرند. بر اثر اقدامات و فعالیت‌های محور مقاومت رژیم صهیونیستی پس از ۲۲ روز مقاومت حماس، سرانجام آتش‌بس یک‌جانبه را پذیرفت؛ بدون این‌که به هیچ‌یک از اهداف خود دست یابد. اظهارات سران ایران سوریه حزب‌الله و اقدامات آن‌ها به موازات همکاری بعضی دول دیگر همچون ترکیه قطر سودان، سنگال موریتانی و مالزی

موجب شد تا رژیم صهیونیستی خود را در برابر جبهه ای متحد و منسجم مشاهده نموده و اقدامات بعدی خود را با توجه به این وضعیت اتخاذ نماید. مقاومت حماس در برابر رژیم صهیونیستی سبب شد تا این جنبش به نماینده واقعی فلسطینی ها تبدیل شود حمایت امریکا و اروپا از رژیم صهیونیستی و محور سازش موجب شد تا محور مقاومت محوری نه فقط در برابر رژیم صهیونیستی، بلکه جبهه ای علیه امریکا نیز به حساب آید. به عبارت دیگر جنگ غزه، عرصه ای برای عرض اندام ایران و سوریه در برابر امریکا و متحدین اش بوده است. مثلث مصر، عربستان و اردن که شکل دهنده محور سازش به حساب می آیند. در جنگ غزه، ابتدا سکوت و حتی حماس را عامل جنگ معرفی کردند. اما به تدریج با اوج گیری مخالفت های افکار عمومی و طولانی شدن جنگ این کشورها داعیه حمایت از فلسطینی ها را سر داده و طرفدار آتش بس و قطع حملات رژیم صهیونیستی شدند. این محور تلاش کرد تا با بی توجهی به قدرت هایی چون ایران ترکیه و سوریه و شرکت نکردن در نشست سران عرب در قطر و به دنبال حضور پررنگ در نشست کویت زمام امور را در دست خود داشته باشد. اما به نظر می رسد جنگ غزه سبب شد تا نفوذ منطقه ای و فلسطینی مصر و عربستان به نفع ایران و سوریه تضعیف شود. هم چنین ممانعت این دولت ها از هرگونه تجمع اعتراضی توسط شهروندان شان در حمایت از فلسطینی ها سبب گردید تا تعارضات مصر و عربستان با گروه های هوادار مقاومت افزایش یابد. تخریب جایگاه رهبری مصر و عربستان در جهان عرب و کاهش شدید محبوبیت آن ها به ویژه حسنی مبارک و نزدیکی بیش از پیش آنان به کشورهای اروپایی و امریکا از دیگر پیامدهای جنگ غزه در این محور می باشد.

کاهش مشروعیت تشکیلات خودگردان به رهبری محمود عباس در حالی که حملات غیرانسانی رژیم صهیونیستی مردم غزه را آماج سهمگین ترین صدمات کرده بود؛ ابومازن رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین طی تماسی تلفنی از نوکران رژیم صهیونیستی

خواست تا میانجی‌گری کنند. نکته قابل توجه اینکه حکومت رام‌الله به رهبری محمود عباس حکومتی مزدور و به‌طور کامل با رژیم صهیونیستی هم‌دست و در جنایات این رژیم و محاصره غزه شریک است. جنجال آفرینی درباره طرح صلح عربی در این برهه از زمان و این ادعا که رژیم صهیونیستی در این زمینه صاحب‌نظر است. تلاشی است به‌منظور فریب افکار عمومی مبنی بر این که صهیونیست‌ها خواهان صلح و فلسطینی‌ها عامل اصلی تداوم مناقشه فلسطین هستند (تاج‌بخش، ۱۳۸۷، ۱۱).

۲. بی‌نتیجه‌ماندن اقدامات دیپلماتیک

پیامد سیاسی - اجتماعی دیگر بحران غزه، بی‌نتیجه ماندن اقدامات دیپلماتیک در سطح منطقه است. با وجود تلاش‌های فراوان دیپلماتیک در سطح بین‌المللی، از جمله نشست‌های صلح مادرید (۱۹۹۱) و مذاکرات اسلو (۱۹۹۳)، هنوز صلحی پایدار میان اسرائیل و فلسطین برقرار نشده است. نبود اراده کافی در طرفین، عدم شفافیت در مسائل اساسی مانند حق بازگشت پناهندگان فلسطینی، مرزهای ۱۹۶۷ و وضعیت بیت‌المقدس، به مانع اصلی برای حل و فصل این منازعه تبدیل شده‌اند. نشست صلح مادرید در سال ۱۹۹۱، یکی از نخستین تلاش‌های جدی بین‌المللی برای آغاز یک فرآیند صلح میان اسرائیل و فلسطین بود. این نشست با حمایت امریکا و شوروی برگزار شد و هدف آن فراهم کردن بستری برای مذاکرات دوجانبه و چندجانبه بین اسرائیل و کشورهای عربی، از جمله فلسطینی‌ها بود. نشست مادرید از نظر تاریخی حائز اهمیت بود، چرا که برای نخستین بار فلسطینی‌ها به‌عنوان یک طرف مستقل در مذاکرات حضور یافتند و توانستند به شکلی رسمی مطالبات خود را مطرح کنند. با این حال، این نشست نتوانست منجر به توافقی پایدار شود و اختلافات اساسی، از جمله موضوع مرزهای ۱۹۶۷ و حق بازگشت پناهندگان، هم‌چنان به‌عنوان مانعی جدی بر سر راه صلح باقی ماندند.

موانع اصلی صلح چندی بعدی بود. یکی از عوامل اصلی که مانع از موفقیت مذاکرات صلح شده، نبود اراده سیاسی کافی در هر دو طرف است. به‌رغم آن که برخی گروه‌های

سیاسی و اجتماعی در اسرائیل و فلسطین به صلح و دستیابی به یک توافق جامع تمایل دارند، جناح‌های تندرو در هر دو طرف، همواره با هرگونه سازش و عقب‌نشینی مخالفت کرده‌اند. در اسرائیل، به‌ویژه در دولت‌های راست‌گرا، حمایت از سیاست‌های شهرک‌سازی در مناطق اشغالی کرانه باختری و مخالفت با تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی به‌عنوان راهبردی برای حفظ امنیت ملی مطرح شده است. ازسوی دیگر، برخی گروه‌های فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی هم‌چنان به مقاومت مسلحانه به‌عنوان تنها راه‌حل مناقشه معتقدند و به رسمیت شناختن اسرائیل را رد می‌کنند (تاجیک، ۱۳۹۵، ۴۵). علاوه بر این، مسائل کلیدی و بنیادینی وجود دارد که حل نشده باقی مانده‌اند و هم‌چنان به‌عنوان موانع عمده برای هرگونه توافق دائمی به‌شمار می‌روند.

۳. تعرض به اماکن دیپلماتیک در منطقه

افزایش درگیری‌های نظامی و خشونت‌های متقابل، به تعرض به اماکن دیپلماتیک و سفارت‌خانه‌ها در کشورهای مختلف منجر شده است. این امر باعث تشدید تنش‌های سیاسی و ناتوانی بیشتر در حل بحران از طریق دیپلماتیک شده است. این رفتارها نه‌تنها نقض اصول اساسی حقوق بین‌الملل و کنوانسیون وین در سال ۱۹۶۱ در مورد روابط دیپلماتیک محسوب می‌شوند، بلکه می‌توانند عواقب و تبعات گسترده‌ای بر امنیت جهانی و دیپلماسی بین‌المللی داشته باشند.

با افزایش تنش‌های سیاسی و نظامی در برخی مناطق، کشورهای درگیر، به‌ویژه آن‌هایی که درگیر جنگ‌های داخلی یا منازعات بین‌المللی هستند، به راحتی از تعرض به اماکن دیپلماتیک خودداری نمی‌کنند. این امر به‌طور خاص در کشورهایمانند سوریه، عراق و لیبی مشاهده شده است، جایی که سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌ها هدف حملات قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، در سال‌های اخیر، تعرض به سفارت‌خانه‌های امریکا و سایر کشورها در بغداد، نشان‌دهنده این واقعیت است که خشونت‌ها می‌توانند به مراکز

دیپلوماتیک نیز گسترش یابد (دولت و تحولات، ۱۴۰۲، ۲۳). افزایش درگیری‌های نظامی و خشونت‌های متقابل، به‌ویژه در قضیه فلسطین، منجر به تعرض به اماکن دیپلوماتیک و سفارت‌خانه‌ها در کشورهای مختلف شده است. این وضعیت موجب تشدید تنش‌های سیاسی و ناتوانی در حل بحران‌ها از طریق دیپلماسی گردیده و نقض اصول حقوق بین‌الملل و کنوانسیون وین ۱۹۶۱ را به همراه دارد. (دولت و تحولات، ۱۴۰۲، ۲۴) کشورهای درگیر جنگ‌های داخلی یا منازعات بین‌المللی، مانند سوریه، عراق، فلسطین، لبنان و اسرائیل به راحتی از تعرض به اماکن دیپلوماتیک خودداری نمی‌کنند.

به‌عنوان نمونه، تعرض به سفارت‌خانه‌های آمریکا و دیگر کشورها در بغداد و حملات هدفمندانه اسرائیل به تهران و ترور رهبر حماس و دیگر چهره‌های سیاسی نشان‌دهنده گسترش خشونت‌ها به مراکز دیپلوماتیک است. تعرض به اماکن دیپلوماتیک، نه تنها حاکمیت کشورهای میزبان را نقض می‌کند، بلکه پیامدهای حقوقی و سیاسی جدی دارد. این رفتارها می‌توانند منجر به کاهش اعتماد بین‌المللی به کشور میزبان و تقویت تمایلات برای اقدامات نظامی یا تحریم‌های اقتصادی علیه آن کشور شوند (احمدی، ۱۴۰۱، ۳۷). هم‌چنین، حملات به سفارت‌خانه‌ها ممکن است به کاهش یا قطع روابط دیپلوماتیک و تعمیق بحران‌ها منجر شود (فراهانی، ۱۴۰۲، ۱۵).

این رفتارها علاوه بر تبعات سیاسی، پیامدهای انسانی نیز به‌همراه دارد. امنیت و جان دیپلومات‌ها و کارکنان سفارت‌خانه‌ها به خطر می‌افتد و بی‌ثباتی در جوامع محلی تشدید می‌شود (کریمی، ۱۴۰۱، ۵۲).

به‌طورکلی، تعرض به اماکن دیپلوماتیک نه تنها نقض حقوق بین‌الملل است، بلکه به بحران‌ها و تنش‌های بین‌المللی دامن می‌زند. برای جلوگیری از این حوادث، کشورهای مختلف باید همکاری بیشتری داشته باشند و برای حفاظت از دیپلومات‌ها و تأسیسات دیپلوماتیک تلاش کنند. این موضوع نیازمند یک رویکرد جامع و بین‌المللی است تا امنیت دیپلومات‌ها و روابط بین‌المللی حفظ گردد.

۴. ترور رهبران سیاسی

یکی دیگر از پیامدهای بحران فلسطین، افزایش ترورهای سیاسی در منطقه بوده است. ترور رهبرانی مانند یاسر عرفات، اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل، احمد یاسین، اسماعیل هنیه، یحیی سنوار رهبران حماس، سیدحسن نصرالله و دیگر چهره‌های سیاسی، نشان‌دهنده سطح بالای خشونت و نفرت متقابل در میان طرف‌های درگیر است. در طول تاریخ بحران فلسطین و اسرائیل، ترورهای سیاسی نه تنها بر روند تحولات این بحران تأثیر گذاشته‌اند، بلکه به عنوان ابزاری برای تقویت مواضع سیاسی و نظامی نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

ترورهای سیاسی در قضیه فلسطین و اسرائیل نه تنها به عنوان ابزار برای تحقق اهداف سیاسی و نظامی استفاده شده‌اند، بلکه پیامدهای عمیق و منفی برای روند صلح و ایجاد ثبات در منطقه داشته‌اند. ترورهای شناخته شده مانند یاسر عرفات و اسحاق رابین نشان‌دهنده شکاف‌های عمیق در جامعه اسرائیلی و فلسطینی است که مانع از تحقق صلح پایدار شده است. این ترورها به شدت بر فضای سیاسی و اجتماعی تأثیر گذاشته و فرایندهای دیپلماتیک را مختل کرده‌اند. با توجه به بالا بودن میزان تنش‌ها و خشونت‌ها در منطقه، تنها با درک عمیق این مسائل و تلاش برای حل آن‌ها می‌توان به آینده‌ای پایدار و صلح‌آمیز امیدوار بود.

۵. افزایش مهاجرت‌های عمومی

جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی در منطقه منجر به مهاجرت‌های گسترده شده است. فلسطینی‌ها به عنوان یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های پناهنده جهان، همواره تحت تأثیر این بحران قرار داشته‌اند. این مهاجرت‌ها نه تنها چالش‌های اقتصادی و اجتماعی برای کشورهای میزبان به همراه داشته، بلکه به بحرانی انسانی نیز منجر شده است. مهاجرت‌های عمومی به‌ویژه در مناطق جنگ‌زده، یکی از پیامدهای ناگزیر درگیری‌های

نظامی و بحران‌های انسانی است. در این میان، فلسطینی‌ها به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های پناهنده در سطح جهانی، به‌شدت تحت‌تأثیر این وضعیت قرار دارند. جنگ‌ها و درگیری‌های مستمر در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه در فلسطین، موجب شده است که میلیون‌ها نفر از فلسطینی‌ها ناچار به ترک خانه‌های خود شوند و در کشورهای مختلف به‌عنوان پناهنده زندگی کنند. این مهاجرت‌های گسترده معمولاً فشارهای اقتصادی و اجتماعی زیادی بر کشورهای میزبان ایجاد می‌کند. این کشورها با چالش‌هایی از جمله افزایش هزینه‌های اجتماعی، فشار بر سیستم‌های بهداشتی و آموزشی، و مشکلات بازار کار مواجه می‌شوند. به‌عنوان مثال، ورود تعداد زیادی از پناهندگان فلسطینی به کشورهای همسایه مانند لبنان و اردن، بار مالی و اجتماعی سنگینی بر دوش این کشورها گذاشته است. در این زمینه، طبق گزارش‌های سازمان ملل، لبنان با وجود جمعیت کم خود، یکی از بالاترین نسبت‌های پناهندگان به جمعیت کل را دارد که این امر به تنش‌های اجتماعی و اقتصادی دامن زده است (موسوی، ۱۳۹۸، ۸۲).

طبق گزارش‌های سازمان ملل مهاجرت‌های ناشی از این جنگ و درگیری به یک بحران انسانی نیز تبدیل شده است. فلسطینی‌ها با مشکلات فراوانی مانند فقدان شغل، دسترسی محدود به خدمات بهداشتی و آموزشی و زندگی در شرایط نامناسب مواجه هستند. طبق گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR)، پناهندگان فلسطینی به‌دلیل سال‌ها بی‌ثباتی و جنگ، در شرایط دشوار زندگی می‌کنند و بسیاری از آن‌ها نیاز به کمک‌های بشردوستانه دارند (سازمان ملل، ۲۰۲۳، ۵۵). مهاجرت‌های عمومی به‌ویژه در مورد فلسطینی‌ها، نه‌تنها پیامدهای اقتصادی و اجتماعی عمیقی برای کشورهای میزبان به همراه دارد، بلکه به یک بحران انسانی نیز منجر شده است که نیاز به توجه و اقدام جهانی دارد. تأمین نیازهای اولیه این پناهندگان و تلاش برای حل بحران‌های ریشه‌ای می‌تواند به کاهش مشکلات و تنش‌ها کمک کند.

۲. پیامدهای اقتصادی - امنیتی

۲-۱. فروپاشی نظم اقتصادی منطقه

با ادامه درگیری‌ها، اقتصاد بسیاری از کشورهای منطقه آسیب‌های جدی دیده است. هزینه‌های نظامی بالا، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی از جمله پیامدهای اقتصادی مهم بحران فلسطین و درگیری‌های منطقه‌ای هستند. فروپاشی نظم اقتصادی در خاورمیانه به‌ویژه به دلیل درگیری‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی به شدت مشهود است. کشورهای این منطقه با چالش‌های متعددی مواجه هستند که به عوامل اقتصادی، سیاسی و تاریخی ریشه دارند.

هزینه‌های نظامی بالا یکی از عوامل اصلی این فروپاشی است. بسیاری از کشورها، به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، درصد بالایی از بودجه ملی خود را به خرید تسلیحات و تقویت نیروهای مسلح اختصاص می‌دهند. این موضوع موجب کاهش منابع مالی برای بهبود شرایط معیشتی و توسعه زیرساخت‌ها می‌شود (وزارت دفاع عربستان، ۲۰۲۲، ۲۵).

به‌علاوه، درگیری‌ها منجر به تخریب شدید زیرساخت‌های حیاتی مانند برق، آب و بهداشت شده است. جنگ‌ها در سوریه، یمن و فلسطین به کاهش تولید اقتصادی و کیفیت زندگی کمک کرده و نرخ بیکاری را افزایش داده است. طبق گزارش‌های سازمان ملل، بیش از ۷۰ درصد زیرساخت‌های این کشورها در جنگ داخلی آسیب دیده که این امر موجب افزایش مهاجرت و نارضایتی اجتماعی شده است (عسکری، ۲۰۲۲، ۵۰).

عدم ثبات و ناامنی در خاورمیانه تأثیر منفی بر زندگی مردم دارد و به بحران‌های اجتماعی و انسانی و باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی شده است. افزایش بیکاری و نارضایتی می‌تواند به ناآرامی‌های گسترده‌تر منجر شود، مانند این ناآرامی‌ها به دلیل فساد و وضعیت اقتصادی نامناسب این مسائل به تشدید بحران‌های اجتماعی در منطقه

کمک می‌کند. (الحسینی، ۲۰۲۳، ۳۴)

۲-۲. افزایش فروش تسلیحات در منطقه

در نتیجه تشدید بحران‌های نظامی و امنیتی، تقاضا برای تسلیحات در منطقه به شدت افزایش یافته است. این موضوع به نوبه خود به رقابت‌های تسلیحاتی بین کشورهای منطقه دامن زده و فضای امنیتی منطقه را ناپایدارتر کرده است و افزایش تقاضا برای تسلیحات در خاورمیانه ناشی از بحران‌های نظامی و امنیتی، باعث شده کشورهای منطقه به خرید تسلیحات روی بیاورند، که این امر نه تنها هزینه‌های نظامی را افزایش می‌دهد، بلکه به رقابت‌های تسلیحاتی و تنش‌های فزاینده میان کشورها دامن می‌زند. براساس گزارش سازمان منع تسلیحات شیمیایی، کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۲۲ بیش از ۵۰ میلیارد دلار برای خرید تسلیحات هزینه کردند (سازمان منع تسلیحات شیمیایی، ۲۰۲۲، ۳۱).

تداوم بحران‌های امنیتی، جنگ‌های داخلی و درگیری‌ها، مانند فلسطین، لبنان، سوریه و یمن، احساس ناامنی را افزایش داده و کشورها را به تقویت نیروهای نظامی خود وادار کرده است. مداخلات قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، مانند ایران و عربستان سعودی، فشار بیشتری بر دولت‌ها برای تقویت نظامی ایجاد می‌کند (ابوالقاسمی، ۲۰۲۳، ۲۰). رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان به عنوان دو رقیب اصلی، به شدت به خرید تسلیحات و تقویت نیروهای نظامی خود پرداخته‌اند (کاردان، ۲۰۲۳، ۶۰).

افزایش فروش تسلیحات ناپایداری فضای امنیتی منطقه را افزایش می‌دهد و احتمال بروز درگیری‌های بیشتر را بالا می‌برد. به عنوان مثال، خلیج فارس به یکی از مناطق پرتنش جهان تبدیل شده است، جایی که درگیری‌ها میان کشتی‌ها و ناوهای جنگی مکرر است (شریفی، ۲۰۲۴، ۲۱). هم‌چنین، ناپایداری‌های موجود می‌تواند به گسترش تروریسم و شورش‌های بیشتر و داخلی منجر شود. لذا افزایش فروش تسلیحات در خاورمیانه به یک چرخه معیوب منجر شده که نه تنها هزینه‌های نظامی را افزایش می‌دهد، بلکه بحران‌های انسانی و اجتماعی را تشدید می‌کند.

۲-۳. احتمال درگیری بزرگ منطقه‌ای

تداوم بحران فلسطین خطرات جدی برای منطقه خاورمیانه به همراه دارد و یکی از این خطرات، احتمال شعله‌ور شدن یک درگیری بزرگ منطقه‌ای است که می‌تواند تمام کشورهای همسایه را درگیر کند. مداخله قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده و روسیه، به پیچیدگی این بحران افزوده است. ایالات متحده به‌عنوان حامی اصلی اسرائیل در تلاش است تا منافع خود را تأمین کند، درحالی‌که روسیه نیز به دنبال افزایش نفوذ خود در خاورمیانه است (کوهستانی، ۲۰۲۳، ۱۷). بحران فلسطین بر کشورهای همسایه نیز تأثیرگذار است. لبنان، مصر و اردن با افزایش جمعیت‌های فلسطینی و وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی به وضعیت فلسطین در معرض خطر هستند (علی‌زاده، ۲۰۲۳، ۲۹). تحلیلگران معتقدند در صورت عدم مدیریت و دیپلماسی مؤثر، این بحران می‌تواند به آغاز یک جنگ بزرگ‌تر منجر شود. هم‌چنین، این تنش‌ها باعث می‌شود که ایران به‌عنوان حامی اصلی گروه‌های حزب‌الله و حماس به‌طور مستقیم و بیشتر از آنچه شاهدش بودیم در این درگیری‌ها دخالت کند (عباس‌زاده، ۲۰۲۴، ۳۲). از این رو، دیپلماسی و گفتگوهای بین‌المللی ضروری است تا تنش‌ها کاهش یابد و از بروز درگیری‌های گسترده جلوگیری شود. سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی می‌توانند با تسهیل گفتگوها و ارائه کمک‌های انسانی به کاهش بحران‌ها کمک کنند.

۳. پیامدهای بین‌المللی بحران فلسطین - اسرائیل

جنگ ۱۷ اکتوبر ۲۰۲۳ غزه تاکنون آثار و پیامدهای مهمی بر منطقه و جهان داشته است که مهم‌ترین آن‌ها نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تلفات بی‌سابقه غیر نظامیان، تخریب زیرساخت‌های غزه، مهاجرت، تقویت جایگاه منطقه‌ای و جهانی جریان‌های مقاومت، شکست اخلاقی رژیم اسرائیل، گسترش دامنه جنگ به بیرون از قلمرو غزه، رشد اسلام‌هراسی و یهودستیزی است. تأثیرات این جنگ در سه سطح قابل بررسی است:

3-1. تأثیر بر سیاست جهانی

این نزاع باعث شده کشورهای مختلف مواضع متفاوتی اتخاذ کنند. ایالات متحده آمریکا همواره یکی از حامیان اصلی اسرائیل بوده و از این کشور به لحاظ نظامی و اقتصادی حمایت کرده است. قتل عام ساکنین غزه از سوی رژیم اسرائیل دیدگاه عام ملت‌ها را نسبت به ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در جهان شرق و غرب تغییر داده است و بارها در کشورهای مختلف جهان به ویژه ایالات متحده آمریکا شاهد اعتراضات گسترده مردمی بوده‌ایم. این سیاست‌ها و اعتراضات طبعاً بر باوری برخی از رأی‌دهندگان در انتخابات و هم‌چنان بر سیاست خارجی آمریکا تأثیرگذار خواهد بود (عباس‌زاده، ۲۰۲۴، ۴۵). درحالی‌که تعدادی از کشورهای اسلامی از فلسطینی‌ها حمایت می‌کنند، کشورهای اروپایی و سازمان ملل متحد تلاش‌هایی جهت برقراری صلح انجام داده‌اند، اما تاکنون موفق به حل و فصل نهایی نزاع نشده‌اند. روسیه و چین نیز در سال‌های اخیر به‌عنوان بازیگران مهمی در منطقه نقش آفرینی کرده‌اند، ولی نفوذ آن‌ها به اندازه آمریکا نبوده است.

3-2. تأثیر اقتصادی جهانی

نزاع فلسطین و اسرائیل باعث ایجاد تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی متعددی شده است. فلسطینی‌ها در نوار غزه و کرانه باختری با محدودیت‌های شدیدی در تجارت و اقتصاد مواجه هستند که منجر به فقر گسترده و وابستگی به کمک‌های بین‌المللی شده است. هم‌چنین، هزینه‌های نظامی سنگین برای اسرائیل و کشورهای همسایه تأثیرات منفی بر توسعه اقتصادی این کشورها داشته است. موقعیت استراتژیک شرق میانه به‌عنوان مرکز تولید نفت باعث شده تا هرگونه تنش در این منطقه بر بازارهای جهانی انرژی تأثیر بگذارد، و نوسانات قیمت نفت را به همراه داشته باشد (ن. سایی، مصاحبه شخصی، ۴، میزان ۱۴۰۳).

3-3. پیامدهای امنیتی - نظامی

فلسطین در نتیجه‌ی مقاومت، ایستادگی و روحیه‌ی عالی با ساده‌ترین امکانات توانسته بیشتر از ۱۰۰۰ تانک و ماشین‌آلات نظامی زرهی رژیم اسرائیل را منهدم کنند (۳۱/۱/۲۰۲۴، <https://csrskabul.com/?p=8244>). از طرف دیگر تولید و خرید تجهیزات پیشرفته جنگی توسط رژیم اسرائیل که اردوی آن کشور را در ردیف اردوهای برتر دنیا قرار داده است. در طول جنگ برخی از نظامیان آن به دلیل فرار از وظیفه و عدم پیروی از اوامر مافوق خود به زندان محکوم شدند، که این بیانگر تضعیف روحیه سربازان رژیم اسرائیل است. از دیگر پیامدهای امنیتی آن می‌توان به باز شدن جبهات دیگر جنگ نظیر جبهه حزب‌الله لبنان در برابر اسرائیل و حملات حوثی‌های یمن در دریای سرخ و حمله به کشتی‌های تجاری و بحری امریکا و رژیم اسرائیل می‌توان اشاره کرد.

۳-۴. احتمال وقوع جنگ جهانی

بر اثر طولانی شدن تنش‌های بزرگ در خاورمیانه و به خصوص حمله اسرائیل به فلسطین و لبنان خطرات جدی برای خاورمیانه و جهان به همراه خواهد داشت. یکی از این پیامدها، احتمال شعله‌ور شدن یک درگیری بزرگ در سطح جهان خواهد بود که می‌تواند تمام کشورهای بلوک شرق و غرب را درگیر سازد. حمایت‌های همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده، روسیه، چین، انگلستان، ایران و... به تشدید این تنش‌ها و بحران افزوده است. ایالات متحده به عنوان حامی اصلی برای دولت اسرائیل تلاش می‌کند تا منافع خود را در خاورمیانه تأمین کند؛ هم‌چنین ایران و روسیه به دنبال افزایش قدرت و نفوذ خود در خاورمیانه هستند (کوهستانی، ۱۲، ۲۰۲۳). وجود تنش و جنگ در فلسطین تأثیرات منفی بر کشورهای همسایه مانند لبنان، مصر و اردن به همراه دارد. زیرا با بالا گرفتن درگیری‌ها در سطح منطقه؛ جمعیت فلسطینی، وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی و وضعیت فلسطین را در معرض خطر قرار می‌دهد (علی‌زاده، ۲۰۲۳، ۴۴). بی‌توجهی به

این مسئله و مدیریت نادرست، نبود دیپلوماسی مؤثر، باعث بحران گسترده در سطح جهان می‌شود. زیرا، این تنش‌ها و درگیری‌ها موجب می‌شود که کشورهای منطقه به‌خاطر حفظ منافع خود از نیروها و گروه‌هایی که منافع آن‌ها به وجود این گروه‌ها وابسته است مورد حمایت همه‌جانبه قرار دهند.

۵. افزایش فروش تسلیحات: یکی از پیامدهای اصلی ادامه‌ی بحران فلسطین و جنگ‌های متعدد در خاورمیانه، افزایش نیاز به تسلیحات نظامی است. کشورهای خاورمیانه، از جمله اسرائیل، ایران، عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه، به دلیل تهدیدات امنیتی ناشی از درگیری‌های منطقه‌ای، به‌طور مداوم به خرید و تولید تسلیحات پیشرفته پرداخته‌اند. به‌طور خاص، ایالات متحده و روسیه به‌عنوان دو تأمین‌کننده بزرگ تسلیحات در جهان، نقش مهمی در تأمین این نیازها داشته‌اند. آمارها نشان می‌دهند که ایالات متحده به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده تسلیحات در جهان، بخش قابل‌توجهی از سلاح‌های خود را به کشورهای خاورمیانه می‌فروشد و به‌همین دلیل، بحران فلسطین و جنگ‌های مربوط به آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موجب تقویت این بازار شده‌اند (پناهی، ۱۴۰۰، ۳۷).

یکی از پیامدهای افزایش تسلیحات در خاورمیانه، افزایش خطر درگیری‌های گسترده‌تر است. کشورهای منطقه، به‌دلیل نگرانی از تهدیدات امنیتی و فشارهای داخلی و خارجی، همواره در حال رقابت برای دستیابی به تسلیحات پیشرفته‌تر هستند (احمدی، ۱۳۹۷، ۵۶). این رقابت تسلیحاتی، که از دهه‌های گذشته آغاز شده است، اکنون به جایی رسیده که بسیاری از کشورها به‌دنبال دستیابی به تسلیحات هسته‌ای و موشک‌های با برد بالا هستند. و ایران به‌عنوان یکی از بازیگران مهم در منطقه، برنامه‌های هسته‌ای خود را توسعه داده و موشک‌هایی با برد بالا تولید کرده است که تهدیدی برای کشورهای منطقه به‌شمار می‌آید (صادقی، ۱۴۰۱، ۲۳). در این میان، اسرائیل که به‌طور غیررسمی به‌عنوان کشوری هسته‌ای شناخته می‌شود، همواره تلاش کرده است تا با حفظ برتری نظامی خود، هرگونه

تهدید از سوی همسایگان خود را خنثی کند. این رقابت نظامی می‌تواند به راحتی به یک درگیری بزرگ‌تر منجر شود که تمامی کشورهای منطقه و حتی قدرت‌های جهانی را درگیر کند. در این سناریو، خطر استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی به شدت افزایش می‌یابد (رجبی، ۱۳۹۹، ۸۱).

ادامه‌ای وضعیت کنونی و عدم حل منازعه فلسطین به افزایش تنش‌ها میان کشورهای منطقه و جهان منجر می‌شود. در شرایطی که بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نتوانند به یک راه‌حل صلح‌آمیز برای منازعه فلسطین دست یابند، احتمال وقوع یک جنگ بزرگ در خاورمیانه و جهان بسیار افزایش می‌یابد (رحمانی، ۱۳۹۹، ۶۰). در چنین شرایطی، امکان دارد بازیگران مختلف از تسلیحات هسته‌ای و موشک‌های با برد بلند برای حمله به یکدیگر استفاده کنند. باتوجه به این‌که برخی از کشورهای منطقه مانند اسرائیل به سلاح‌های هسته‌ای دسترسی دارند و دیگر کشورها همچون ایران نیز در حال توسعه برنامه‌های هسته‌ای خود هستند، خطر یک جنگ هسته‌ای در این منطقه بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌شود (رضایی، ۱۴۰۰، ۴۹).

استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و تسلیحات کشتار جمعی نه‌تنها پیامدهای فاجعه‌باری برای کشورهای منطقه به‌همراه خواهد داشت، بلکه کل جهان را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. این امر می‌تواند منجر به آغاز یک جنگ جهانی جدید شود که بسیاری از قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده، روسیه و چین درگیر آن شوند (پناهی، ۱۴۰۰، ۵۲). در چنین سناریویی، تمامی جهان با بحران انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی شدیدی مواجه خواهد شد. در نهایت، ادامه‌ی منازعه فلسطین و عدم حل آن نه‌تنها موجب افزایش فروش تسلیحات و رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه شده است، بلکه خطر وقوع یک جنگ بزرگ‌تر و حتی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را نیز افزایش داده است (صادقی، ۱۴۰۰، ۴۳). این بحران نیازمند تلاش‌های بین‌المللی برای دستیابی به یک

راه حل صلح آمیز و پایدار است، چرا که تنها در این صورت می‌توان از وقوع یک فاجعه جهانی جلوگیری کرد. برای جلوگیری از این سناریوهای هولناک، ضروری است که قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه با همکاری یکدیگر به سمت دیپلوماسی و گفتگو پیش بروند نه رقابت نظامی و تسلیحاتی.

نتیجه‌گیری

جنگ فلسطین و اسرائیل یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین درگیری‌های معاصر است که تأثیرات گسترده‌ای بر منطقه شرق میانه و سیاست جهانی داشته است. این درگیری نه تنها باعث بی‌ثباتی سیاسی، بلکه به بحران‌های اقتصادی و انسانی نیز منجر شده است. تخریب زیرساخت‌ها در غزه، افزایش تلفات انسانی و مهاجرت‌های اجباری از جمله پیامدهای مستقیم این جنگ است.

از نظر سیاسی، این نزاع به افزایش تنش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای دامن زده و باعث شکل‌گیری ائتلاف‌ها و دشمنی‌های جدید شده است. کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی نتوانسته‌اند به یک راه حل پایدار دست یابند، که این خود نشان‌دهنده پیچیدگی و حساسیت موضوع است.

از سوی دیگر، این جنگ بر اقتصاد منطقه و حتی بازارهای جهانی نیز تأثیر گذاشته است. هزینه‌های نظامی سنگین و تحریم‌های اقتصادی، هم بر فلسطینی‌ها و هم بر اسرائیل فشار وارد کرده و موجب پایین آمدن رشد اقتصادی و افزایش فقر در این مناطق شده است.

در سطح جهانی، ناتوانی سازمان‌های بین‌المللی در حل این بحران، اعتبار و کارایی آن‌ها را زیر سؤال برده است. درحالی‌که برخی از کشورها به حمایت از اسرائیل پرداخته‌اند، بسیاری از مردم در سراسر جهان از جمله در کانادا، فرانسه، انگلستان، اسپانیه، ترکیه، پاکستان، آفریقا و حتی محصلان در آمریکا از طریق اعتراضات و تظاهرات با فلسطینی‌ها ابراز همبستگی کرده و خواستار کمک‌های بشردوستانه به غزه و پایان یافتن

درگیری‌ها شده‌اند. این همبستگی جهانی نشان دهنده اهمیت بالای این مسئله برای افکار عمومی جهان است.

برای دستیابی به صلحی پایدار، همکاری‌های بین‌المللی و اراده سیاسی قوی مورد نیاز است. این همکاری‌ها باید شامل فشارهای بین‌المللی برای رعایت حقوق بشر، برقراری آتش‌بس دائمی و تشکیل کمیته‌های بی‌طرف برای یافتن راه‌حل‌های دیپلماتیک باشد. تنها از این طریق می‌توان به صلح و ثبات در منطقه و به تبع آن، در جهان دست یافت. در نهایت، پایان دادن به این جنگ نه تنها یک نیاز انسانی و اخلاقی است، بلکه به نفع تمامی طرف‌ها در منطقه و جهان خواهد بود. تنها با تلاش‌های مشترک و رویکردی جامع می‌توان به حل این بحران پیچیده امیدوار بود.

پیشنهادات

باتوجه به موارد مطرح شده، به منظور کنترل وضعیت کنونی و پیامدهای خطرناک ناشی از تداوم جنگ و احتمال وقوع جنایت‌های بیشتر بشری، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

1. آتش‌بس دائمی: برقراری آتش‌بس دائمی به عنوان گزینه نخست و مؤثر برای جلوگیری از تشدید جنگ و نقض حقوق بشر ضروری است. تجربه‌های قبلی نشان داده‌اند که آتش‌بس موقت نه تنها موجب پایان جنگ نمی‌شوند بلکه طرف‌ها را برای درگیری‌های خونین‌تر آماده می‌سازند.

2. فشارهای بین‌المللی: اعمال فشارهای بین‌المللی بر طرف‌های درگیر برای رعایت حقوق بشر و قوانین بین‌المللی به عنوان وسایل مؤثر در کم ساختن تنش‌ها و حفظ صلح پایدار امری ضروری است.

3. تبادل اسیران: تبادل عادلانه و شایسته تمامی اسیران می‌تواند به یکی از اهداف انسانی طرف‌های درگیر نزدیک‌تر شود و با کم کردن شدت جنگ، از گسترش آن جلوگیری کند.

4. ایجاد کمیته بین‌المللی بی‌طرف: تشکیل یک کمیته بی‌طرف از سوی کشورهای غیرمداخله‌گر به منظور دستیابی به راه‌حل‌های پایدار برای قضیه فلسطین، یک نیاز جدی است. این کمیته باید خواسته‌های منصفانه طرف‌های درگیر را مورد توجه قرار دهد تا از گسترش دامنه جنگ و پیامدهای خطرناک آن جلوگیری کند.
5. تشکیل حکومت مستقل فلسطینی: تأسیس یک حکومت مستقل فلسطینی به مرکزیت قدس می‌تواند به‌عنوان یک راه‌حل پایدار در راستای تحقق حقوق فلسطینی‌ها و کاهش تنش‌ها عمل کند.
6. گفتگوهای صلح جامع: برگزاری گفتگوهای صلح جامع با مشارکت تمامی احزاب و گروه‌های فلسطینی و اسرائیلی می‌تواند زمینه‌ساز تفاهم و احترام متقابل بین طرفین باشد.
7. حمایت از برنامه‌های بشردوستانه: تقویت و حمایت از برنامه‌های بشردوستانه و اجتماعی در مناطق آسیب‌دیده، به‌ویژه برای حمایت از غیرنظامیان، می‌تواند به کم‌ساختن تنش‌ها و بحران‌های انسانی کمک کند.
8. آموزش و فرهنگ‌سازی: برگزاری سیمینارها و برنامه‌های آموزشی در زمینه حقوق بشر و اهمیت صلح در سطح منطقه می‌تواند به ترویج فرهنگ صلح و همزیستی در جامعه کمک کند.

منابع:

۱. ابوالقاسمی، سیدعلی (۲۰۲۳) عوامل مؤثر بر افزایش تقاضا برای تسلیحات، مجله مطالعات امنیتی، 34-50.
۲. احمدی، محمد. (۱۳۹۷). تنش‌های منطقه‌ای و فروش تسلیحات نظامی. نشر نگاه نو.
۳. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله، قربانی شیخ نشین، ارسلان و سیمبر، رضا. (۱۴۰۰). سیاست و حکومت خاورمیانه. انتشارات سمت، تهران
۴. اکبری، علیرضا (۱۳۹۶). اختلافات فرقه‌ای میان شیعه و سنی و تأثیر آن بر بی‌ثباتی در کشورهای مختلف. تهران: [ناشر]
۵. اوون، جورج. (۲۰۲۳). استاد تاریخ و شرق‌میانه، دانشگاه هاروارد.
۶. بدوی، یوسف (۲۰۲۰). حماس و فتح: یک تقسیم داخلی بیروت: انتشارات فلسطین،
۷. پناهی، علی. (۱۴۰۰). رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه و تأثیرات آن. فصلنامه علوم سیاسی.
۸. تاج‌بخش، علی. (۱۳۸۷). اقتصاد ایران در قرن بیستم. تهران: انتشارات علم.
۹. تاجیک، حسن. (۱۳۹۵). نقش رسانه‌ها در دموکراسی. تهران: نشر نی
۱۰. جعفری، عباس. جنبش‌های سیاسی قرن بیستم. تهران: پژوهشگاه تاریخ، ۲۰۱۵.
۱۱. الحسینی، سید احمد. (۲۰۲۳). "پیامدهای اجتماعی و انسانی عدم ثبات در خاورمیانه". فصلنامه تحلیل اجتماعی، جلد ۱۰، شماره ۳.
۱۲. خسروپناه، مصطفی (۱۳۹۷). موقعیت استراتژیک و منابع غنی نفتی در منطقه خاورمیانه.
۱۳. خواجه‌جوی، محمد. (۱۳۸۷). تحولات سیاسی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. (دایرة‌المعارف جدید بریتانیا). ۲۰۲۰.
۱۵. دولت و تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران. (۱۴۰۲) تهران: مرکز پژوهش‌های استراتژیک.
۱۶. رجیبی، سید، (۱۳۹۹). تأثیرات هسته‌ای شدن کشورهای منطقه بر امنیت خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های امنیتی، ۱۵-۳۲.
۱۷. رحمانی، حسین. (۱۳۹۹). جنگ‌های فلسطین و اثرات جهانی آن. مجله بین‌المللی روابط بین‌الملل.
۱۸. رضایی، مهدی. (۱۳۹۸). بررسی قدرت نظامی اسرائیل و تأثیر آن بر منطقه. انتشارات آینده پژوهی.

۱۹. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۱). خلیج فارس و جنگ‌های نفتی. تهران: نشر نیلوفر.
۲۰. زیدان، ابراهیم. (۲۰۱۵). تحولات نظامی و سیاسی خاورمیانه. فصلنامه روابط بین‌الملل، شماره ۳۵.
۲۱. زیدان، ابراهیم. وضعیت فلسطینیان پس از جنگ‌های اعراب و اسرائیل و خواسته‌های آنها برای استقلال. تهران: [ناشر]، ۲۰۱۵.
۲۲. سازمان ملل (۱۴۰۳). گزارش وضعیت انسانی غزه.
۲۳. سازمان منع تسلیحات شیمیایی. (۲۰۲۲). گزارش فروش تسلیحات در خاورمیانه.
۲۴. شایگان، داریوش. (۱۳۷۷). آسیا در برابر غرب. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۵. شرق، ۲۰۱۴. (درگیری‌های نظامی در غزه و وضعیت انسانی). تهران: [ناشر].
۲۶. شریفی، محمد. (۲۰۲۴). تنش‌های نظامی در خلیج فارس. فصلنامه امنیت بین‌المللی، (2)، 8-25-45.
۲۷. شریفی، محمد، ۱۳۹۹. (وضعیت انسانی و اقتصادی در نوار غزه تحت محاصره اسرائیل). تهران: [ناشر].
۲۸. صادقی، رضا. (۱۴۰۱). ایران و برنامه‌های هسته‌ای: تهدیدات و فرصت‌ها. فصلنامه راهبرد.
۲۹. عباس زاده، سعید، (۲۰۲۴). نقش گروه‌های مقاوت در بحران‌های خاور میانه، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
۳۰. عباس‌زاده، محسن. (۲۰۲۳). پیش‌بینی‌های امنیتی در خاورمیانه. تهران: مرکز پژوهش‌های استراتژیک.
۳۱. عسکری، مصطفی. (۲۰۲۲). "تأثیرات جنگ در سوریه و یمن بر اقتصاد" فصلنامه مطالعات اقتصادی، جلد ۱۲، شماره ۴.
۳۲. علوی، مجتبی. فرایند صلح و توافقات اسلو. تهران: [ناشر]، ۲۰۱۷.
۳۳. علی‌زاده، علی. (۲۰۲۳). "تأثیرات انسانی و اجتماعی بحران فلسطین". فصلنامه تحلیل اجتماعی، جلد ۱۰، شماره ۳.
۳۴. علی‌زاده، مهدی. (۲۰۲۳). "پیامدهای بحران فلسطین برای کشورهای همسایه". فصلنامه مطالعات بین‌المللی، جلد ۱۸، شماره ۱.
۳۵. فتحی، محمود. تأسیس دولت اسرائیل و جنگ‌های اعراب و اسرائیل. تهران: [ناشر]، ۲۰۱۲.
۳۶. فتحی، محمود. نکبت: فاجعه‌ای که هرگز به پایان نمی‌رسد. بیروت: مرکز مطالعات فلسطین، ۲۰۱۲.
۳۷. فرهنگ جغرافیایی جدید وبستر. ۱۹۸۴.

۳۸. فری، نرگس. درگیری‌های فلسطین و اسرائیل. تهران: مجله بین‌المللی، ۲۰۱۹.
۳۹. فرید ۱۳۹۸. تاریخچه و وضعیت فعلی فلسطین پس از تأسیس اسرائیل. تهران: [ناشر].
۴۰. کاردان، سیروس. (۲۰۲۳). "رقابت‌های تسلیحاتی در خاورمیانه". مجله مطالعات دفاعی، شماره ۲۵.
۴۱. کرمی، ۲۰۰۰. (تأسیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین و تحولات مبارزات فلسطینیان. تهران: [ناشر].
۴۲. کریمی، امیر. (۱۴۰۱). تحلیل فضای سیاسی. تهران: نشر چشمه.
۴۳. کوهستانی، محمد. (۲۰۲۳). "مداخله قدرت‌های بزرگ در بحران فلسطین". فصلنامه تحلیل سیاسی، جلد ۷، شماره ۴.
۴۴. محبوبی، ۱۴۰۰. (نقش حماس در سیاست فلسطینی). تهران: [ناشر].
۴۵. محمدعلی، وحید. (۱۳۸۴). نوار غزه: جغرافیا و جمعیت. تهران: انتشارات اندیشه‌سازان نور.
۴۶. مدرسی، مجید. (۱۳۹۸). چالش‌های موجود در خاورمیانه: جنگ، تروریسم و بحران‌های انسانی. تهران: [ناشر].
۴۷. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک شرق‌میانه: جامعه مدنی در خاور میانه امروز، تاریخ نشر: ۱۳۹۵/۵/۳، تاریخ مشاهده ۶ ۱۴۰۳/۷/۱، لینک: جامعه‌مدنی در شرق‌میانه امروز (cmess.ir)
۴۸. موسوی، نرگس. (۱۳۹۸)، رسانه و جامعه، تهران: انتشارات مهر.
۴۹. مولایی، سعید. (۱۳۹۷)، کردها و بحران‌های منطقه‌ای. تهران: مرکز مطالعات خاورمیانه
۵۰. میرزایی، محسن (۱۳۹۳)، بیت‌المقدس و منازعات مذهبی. تهران: انتشارات پوهنتون تهران
۵۱. ن. سایبی. (۲۰۲۴). تأثیر جنگ فلسطین و اسرائیل بر بازار جهانی انرژی. (مصاحبه شخصی).
۵۲. نجاتی، امیر. (۲۰۱۰). فلسطین و تحولات خاورمیانه. تهران: نشر ثالث.
۵۳. نصر، سید حسین، ۱۳۹۵ (دخالت قدرت‌های خارجی و تأثیر آن بر بحران‌های منطقه‌ای). تهران: [ناشر].
۵۴. وزارت دفاع عربستان. (۲۰۲۲). گزارش سالانه هزینه‌های نظامی. ریاض: وزارت دفاع.
55. Eldar, Akiva. *Palestine and the Arab-Israeli Conflict: A History with Documents*. Oxford University Press, 2019.
56. Hroub, Khaled. *Hamas: A Beginner's Guide*. Olive Branch Press, 2006.

57. Huntington, Samuel P. *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. Simon & Schuster, 1996.
58. Morris, Benny. *One State, Two States: Resolving the Israel/Palestine Conflict*. Yale University Press, 2019.
59. Oren, Michael. *The Five Wars of Israel: The Conflict with the Palestinians*. Yale University Press, 2021.
60. Pappé, Ilan. *The Ethnic Cleansing of Palestine*. Oneworld Publications, 2017.
61. Smith, Charles. *Middle East Politics for the New Millennium: A World View*. Oxford University Press, 2020.
62. Zartman, I. William. *Peacemaking in International Conflict: Methods & Techniques*. United States Institute of Peace Press, 2018.
63. Council on Foreign Relations: ۲۰۲۴ . OCHA ۲۰۲۴ .
64. Council on Foreign Relations ۲۰۲۴ .